

عنوان :

بصیرت چیست و چگونه حاصل می شود؟

تاریخ :

1392/09/17

معنای بصیرت

بصیرت به معنی دانایی، بینایی، قوهای قلبی است که در شناخت حقایق تا عمق وجود و باطن ذات آن رسخ می کند.

نزد اهل معنا، نیرویی نهانی و قوهای قلبی است که در شناخت حقایق تا عمق وجود و باطن ذات آن رسخ می کند. برخی از اهل معرفت می گویند: «بصیرت قوه قلبی یا نیرویی باطنی است که به نور قدس روشن گردیده و از پرتو آن، صاحب بصیرت، حقایق و بواطن اشیا را در می یابد. بصیرت به مثابه بصر (چشم) است برای نفس».(3)

میان

بَصَرَ

که تأمین کننده نور ظاهري، و

بصیرت

که آورنده نور باطنی است، تفاوت بسیار است؛ مانند:

1. نور ظاهري، تنها با بینایی انسان سر و کار دارد. خورشید و ماه و چراغ، بیش از این که فضا را روشن و بینایی انسان را یاري کند، کاري انجام نمدهد. پس اگر انسانی ناشنوا بود یا در بیوایی و لامسه و گویایی خود نقص داشت، با تابش آفتاب و مهتاب و نورهایی از این قبیل، مشکلاتش حل نمیشود. اما نور باطن همه نقصهای (باطنی و معنوی) انسان را برطرف، و تمام دردهای او را، درمان می کند.... .

در صورتی که درون کسی را روشن کرد، ساحت جانش چنان نورانی می شود، که هم صحنهای خوبی را در خواب و بیداری می بیند، هم آهنگهای خوبی را می شنود، هم رایحهای دل انگیزی را استشمام میکند و هم لطیفهای فراوانی را لمس می نماید.(4)

2. انسان دو چهره یا دوچربه دارد: چهره ظاهري یا ملکی و چهره باطنی یا ملکوتی، خداوند برای دیدن ظواهر، بصر را به صورت بالفعل به انسان داده، بشر از آغاز تولد به کمک آن هر چه را که در شعاع چشم و منظر او قرار گیرد می بیند. اما برای دیدن باطن و شهود ملکوت، قوه نوری را در نهاد او نهادینه نموده به نام بصیرت، که تا آن "نور استعدادی" از قوه به فعلیت در نیاید، رؤیت باطن و شهود ملکوت، میسر نخواهد بود.

صاحب جامع الاسرار می نویسد: معنای سخن خداوند (نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء)،(5) (... و من لم يجعل الله له نوراً فماله من نور)،(6) چیزی جز این نیست که تا نور حق حاصل نیاید و به دل و جان سالک نتابد، بصیرت در او پدید نیاید. نور حق سرمه چشم بصیرت است و تمام تلاش اهل مجاهده برای آن است که مورد عنایت حق قرار گیرند و نور حق بر دل و بر جانشان پرتو افکن گردد.(7)

حافظ شیرازی که می گوید:

گرنور عشق حق به دل و جانت افتاد - بالله کز آفتاب فلك خوبتر شوی
ناظر به همین نور است. با پرتو افکن شدن نور حق است که سالک از تحریر و تردد می رهد و سرانجام به حقیقت می رسد.

راه تحصیل بصیرت

برای نیل به مقام رفیع بصیرت باید به بازسازی و اصلاح نفس خویش پرداخت.

مجاهده با هواي نفساني و تهذيب روح از زنگارهای گناه، و لطيف و شفاف ساختن آينه دل به نور توحيد، تنها صراط مستقیمي است که "حجاب دیدگان دل" را می گشاید و آدمی را در معرض الهامات غیبی و مقام کشف و شهود قرار می دهد.

1. توبه: اولین گام برای تهذیب نفس و تحصیل بصیرت است. توبه از تقصیرات و گناهان، بلکه از کوتاهیها و جبران حق الله و حق الناسی است.

2. ذکر خدا: ذکر زبانی، قلبی و عملی، موجب بصیرت می گردد. امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ أَسْتِبْصِرُ»(8) هر کسی به یاد خدا باشد، بینایی و بصیرت باید.

3. هم نشینی با علماء: مجالست با علماء که موجب بصیرت و بینایی است. علی(ع) می فرماید: «جاور العلماء تستبصر»(9) با دانایان بنشین تا آگاهی باید.

4. خرد ورزی: کسی که هر خبر یا مطلبی را می شنود، فوراً نمیپذیرد، بلکه پیرامون آن می اندیشد و آن را از صافی عقل و اندیشهایش می گذراند، بصیرت و بینایی می یابد، چنان که آینده نگری و به کارگیری خرد در فرجام امور باعث بصیرت و بینایی می گردد.(10)

5. زهد و عدم دلیستگی به دنیا، از اموری است که باعث بصیرت می گردد.(11)

6. ارتباط با خدا: از دیاد معرفت به خدا، انس با قرآن و معانی و معارف آن، توصل به ائمه(ع) و مناجات با خدا در خلوت مخصوصاً نماز شب از اموری هستند که موجب بصیرت و بینایی و برخورداری از الهامات غیبی می‌شود.

درجات و مراتب بصیرت

بصیرت باطنی و بینایی دل، درجات و مراتبی دارد. اوج آن مرتبه‌ای است که ائمه(ع) دارند.

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «لو كشف الغطاء ما ازددت يقيناً؛ اگر همه پردهها فرو افتاد، چیزی بر یقین من افزوده نمی‌شود».(12)

اگر چه آن مرتبه از یقین مخصوص اولیای معصوم(ع) است، ولی دیگران نیز می‌توانند مراتبی را تحصیل نمایند. هر کسی نور باطنی را از فطرت خدا داد خویش استخراج کند و چشم و گوشش باز شود، می‌تواند خدا و نسانهای او را با «چشم دل» ببیند و صدای تسبیح موجودات هستی را بشنود، که به حکم «يسبح لله ما في السموات وما في الأرض».(13) همه آنان که در آسمان و زمینند، تسبیح خدا می‌کنند. بسیاری از واقعیتها را که با ابصر نمی‌توان دید، با بصیرت مشاهده می‌کند، بلکه توانایی دیدن جهنم و شنیدن صدای زفير آن را پیدا می‌کند، چنان که قرآن می‌فرماید: «كلاً لو تعلمون علم اليقين لترون الجحيم، ثم لترونها عين اليقين».(14)

آثار بصیرت

در حدیث نبوی آمده است که در دل هر بندهای دو دیده نهانی است که به واسطه آن دو، غیب را می‌نگرد و چون خدا بخواهد در حق بندهای نیکی کند، دو چشم دلش را می‌گشاید تا به واسطه آن، آنچه را که از دیدگان ظاهریش نهان است، بتواند دید.

از شمار انسانهای صاحب بصیرت «حارث بن مالک بن نعمان انصاری» بود. پیامبر اکرم از او پرسید: "چگونه‌ای و در چه حالی؟" عرض کرد: "مؤمن راستین و اهل یقینم". پیامبر فرمود: "علامت یقین و ایمان راستینت چیست؟" عرض کرد: "زهد و کناره‌گیری نفسم از دنیا و دلیستگی آن، موجب شد که شبهايم را به بیداری و عبادت و روزهايم را به روزه و تشنگی بگذرانم، از این رو به درجه‌ای از بصیرت و بینایی رسیده‌ام که گویی عرش پروردگارم را که برای حسابرسی بر پا شده است، می‌بینم و بهشتیان را در حال زیارت یکدیگر می‌نگرم و زوجه وحشتناک جهنمیان را از درون آتش می‌شنوم". پیامبر فرمود: "بنده‌ای است که خدا قلبش را روشن کرده است. حال به برکت این نور الهی صاحب بصیرت شده‌ای پس آن را حفظ کن".(15)

این خاصیت نور باطنی یا بصیرت است که از فطرت انسان پرتو افسان می‌شود و اگر منبع الهی آن (فطرت) زنده به گور نشود و غبار آلودگها و تیرگی هواهای نفسانی آن را نپوشاند، همواره چشم بصیرت باطن پر فروغ خواهد بود اما اگر در پشت ظلمت گناه پنهان گردد و انسان تبهکار، حقیقت خود را نبیند، از آن رو که نوری ندارد، خود را گم می‌کند و پس از مدتی خویشتن را به کلی فراموش می‌نماید.

پی نوشت ها:

1. دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، ج 1، ص 546.
3. دائرة المعارف تشیع، جمعی از محققان، ج 3، ص 271.
4. آیت الله جوادی آملی، تفسیر موضوعی ج 14، ص 132 - 13.
5. نور (24) آیه 35.
6. همان، آیه 40.
7. جامع الاسرار، ص 510 و 580 - 579.
8. غررالحكم، ج 5، ص 166
9. غررالحكم، ج 3، ص 387.
10. "من استقبل الامور ابصر" یا "من فگر أبصر العواقب"؛ همان.
11. همان.
12. بحارالانوار، ج 66، ص 209.
13. جمیعه (62) آیه 1.
14. تکاثر (152) آیات 7-6-5.
15. الكافی، ج 2، ص 54.